

در هفته‌ای که گذشته شورای امنیت سازمان ملل متحد قطعنامه‌ای مبنی بر ایجاد آتش بس و عقب نشینی نیروهای ایران و عراق و جایگزینی مکالمات می‌تواند نیروهای حافظ صلح بین طرفهای درگیر را به تصویب رساند که همه ۱۵ عضو شورای امنیت چه اعضای دائمی و دارنده حق وتو - آمریکا، شوروی، انگلستان، فرانسه و چین - و چه اعضای غیر دائمی به آن رأی موافق دادند.

این قطعنامه که به عنوان مبنا و پایه‌ای برای صدور قطعنامه‌های بعدی و به پای میز مذاکره کشاندن ایران صادر شده، از سوی نماینده شاه حسین لردنی معلوم الحال به شورا پیشنهاد شده است. حال در این رابطه جلی بسی سخن و گفتگو است این حسین لردنی که تا دیروز از هرگونه کمک به صدام برای جنگ با ایران و در اختیار گل‌لردن بندر عقبه برای تدارکات ارتش عراق و حتی اعلام رسمی اعزام نیروهای دولتی برای جنگ با ایران و اعلام دولتی خودش بعنوان اولین نفر عضو این نیروها! ابائی نداشت چه شده است که به یاد صلح و آتش بس افتاده و با دوره‌گری خود و نمایندگانش در مجامع بین المللی، سنگ صلح و آتش بس را به سینه می‌زند آیا این همان حسین لردنی معلوم الحال نیست که در آن لوبل که ندلی هل من مبارز صدام گوش فلک را کر می‌کرد و هواپیماهای وی به بمباران مناطق مسکونی پرداخته و آتش توپخانه وی مردم ستم کشیده و محروم غرب و جنوب میهن مان را از خانه و کاشانه خود فراری می‌داده به یاری وی شتافته و به شواهد و دلایل متقن از هیچ‌گونه همکاری دریغ نوزیده است؟

راستی چه شده است که حسین لردنی به یاد صلح و آتش بس افتاده است؟ چه شده است که خود صدام که با در هم کوبیده شدن ماشین جنگی اش در

انسان و زخمی شدن دهها هزار نفر و آوارگی صدها هزار نفر دیگر و محاصره بیروت و... رانمی‌بیند و یا می‌بیند و تایید می‌کند و ناگهان بیاد جنگ ایران و عراق، آنهم پس از گذشت ۲۲ ماه افتاده و به صدور قطعنامه می‌پردازد؟

در پاسخ باید گفت که اینها همه بدلیل این است که قدرتهای بزرگ سقوط صدام را نزدیک می‌بیند. بلکه سقوط صدام و رژیم وی یعنی رژیمی که هم با شوروی پیمان دوستی داشت و هم برای آمریکا خوشترقی می‌کرد و عملاً با تجاوز به خاک جمهوری اسلامی ایران در خط آمریکا حرکت میکرد شدیداً برای آمریکا و شوروی و دیگر نواچه‌هایشان ناراحت کننده و نگرانی آور است. از همین رو پس از آنکه عملیات غرور آفرین سپاه اسلام که با هر عملیات گوشه‌ای از خاک میهن اسلامی مان را آزاد کرده و قوای منهدم و شکست خورده عراق را

✱ حسین اردنی که تا دیروز از هرگونه کمک به صدام برای جنگ

با ایران ابائی نداشت چه شده است که با دوره‌گری خود و نمایندگانش در مجامع

بین المللی، سنگ صلح و آتش بس را به سینه می‌زند.

متلاشی کرده و در هم می‌کوفت، سیل، هیات‌های صلح در انواع و اقسام پوشش‌های مختلف به ایران سرآزیر می‌شد تا شاید بتوانند صلحی هر چند نیم بند و آتش بسی هر چند موقت بین طرفین درگیر برقرار نمایند، آنها از همان ابتدا امیدوار بودند که بتوانند جمهوری اسلامی ایران را پشت میز مذاکره بنشانند، تنها در این صورت بود که می‌توانستند در مراحل بعدی به مصالحه‌های بین طرفین امیدوار باشند. مصالحه و سازشی که جز به سود دولت متجاوز عراق که حتی در بعضی مناطق تا عمق ۱۰۰ کیلومتر در خاک ایران پیشروی کرده بود، نبود.

خط صلح و سازشی که هم اکنون از جانب نماینده شاه حسین لردنی و با تصویب شورای امنیت مطرح شده است، چیزی جز همان خواسته‌های

بیابتهای جنوب و کوهستانهای غرب هم اکنون حکم مرده در حال احتضار را دارد، بیاد صلح و آتش بس و عقب نشینی نیروها افتاده است؟ چه شده است که صدای شوم رادیو بغداد که تا دیروز به مردم ایران رهنمود ساقط کردن حکومت ایران و پیوستن به لوتش دلیر و دلاور!!! عراق را میداد، هم اکنون ایران را به صلح و سازش می‌خواند؟

چه شده است که ابرقوتها که جز بر اساس منافع خویش گامی بر نمی‌دارند و جز به منافع خویش نمی‌اندیشند، متفقاً دست در دست یکدیگر به قطعنامه‌های کذابی رأی مثبت میدهند و در عمل به تایید صدام می‌پردازند؟ راستی چه شده است که دنیا چشم و گوش خود را بر جنایات و تجاوزات ارتش صهیونیستی در لبنان می‌بندد و کشته شدن ۳۰ هزار

درونی ابرقوتها هم برای حفظ صدام نیست. آنها در ابتدای امر که صدام دیوانه وار شهرها و روستاها را در هم می‌کوبید و تصور فتح خوزستان و سقوط جمهوری اسلامی ایران را در کله پوک خویش می‌پروراند از روی حمایت کردند زیرا در پی حفظ منافع خویش بودند و صدام در آن شرایط کسی بود که می‌توانست بر آورنده منافع آنان مبنی بر سقوط جمهوری اسلامی ایران باشد و اکنون نیز ندلی صلح و آتش بس را فریاد می‌کنند زیرا با در هم در پی منافع خویش هستند و سقوط صدام جدا منافع آنان را به خطر می‌اندازد.

قدرتهای جهانی جنگ و خونریزی براه می‌اندازند، تنها برای حفظ منافع خویش! جنگ و صلح برای آنها دو زوی یک سکه است و فرق این دو نیز به همان اندازه‌ای که سکه را از این رو به آن رو کنی! در این میان آنچه برای آنها اهمیت ندارد رسیدن «حق» به «حق‌دار» و به مجازات رسانیدن «متجاوز» است. قطعنامه کذابی شورای امنیت که در ادامه روند مزبور صادر شده است چیزی جز مشروعیت سیاسی بخشیدن به آنچه که دولت عراق از حمایتش از مدتها پیش دنبال آن بودند نیست. مضافاً بر اینکه نفس پیشنهاد این قطعنامه توسط نماینده حسین اردنی خود می‌تواند مبین مفهوم و محتوی واقعی آن باشد.

در قطعنامه ایجاد آتش بس! بین طرفین درگیر بعنوان اولین بند گنجانیده شده است در حالیکه آتش بس در شرایطی که صدام به افعالی خویش خاک ایران را ترک کرده ولی در واقع هنوز مناطق استراتژیک عمده‌ای را در اختیار دارد چیزی جز برآورده شدن خواسته‌های واقعی صدام نخواهد بود. پذیرفتن این آتش بس در این شرایط یعنی مبهم و بدون تضمین اجرایی ماندن شرایط ایران مبنی بر خاتمه جنگ و افتادن قضیه در پیچ و خمهای سیاسی و مجامع و کنفرانسهای بین المللی که در هر صورت جز منافع عراق متضمن چیز دیگری نخواهد بود.

بند دوم قطعنامه بر عقب نشینی نیروها!! تاکید می‌کند قطعنامه مزبور که پیش از ورود نیروهای

***نیروهای حافظ صلح اگر «حافظ صلح» بودند، چرا برای نمونه نتوانستند جلوی تجاوز و هجوم مغول وار ارتش اسرائیل را به لبنان بگیرند؟**

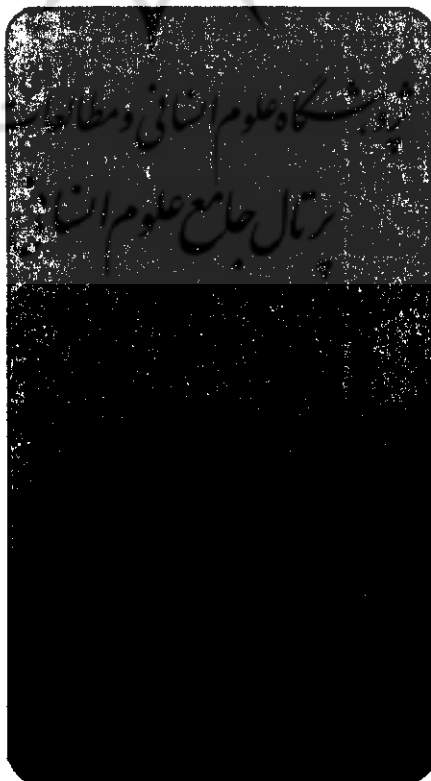


خاک عراق برلی یکسره نمودن تکلیف جنگ دیگر جایی برلی اینگونه بحث‌ها باقی نمی‌ماند. بندبندی قطعنامه نیز واقعا جای بسی بحث و بررسی است. «گماردن مکانیزمی از نیروهای حافظ صلح است» در این جا باید گفت نیروهای حافظ صلح اگر -لحظ صلح بودند چرا برلی نمونه نتوانستند جلوی تجاوز و هجوم مغول وار ارتش اسرائیل را به لبنان بگیرند؟ آیا جز این است که این نیروها فی الواقع چیز دیگری جز برلی به شکست کشاندن جمهوری اسلامی ایران هستند؟ از این گفته گویا قرار بر این بوده است که این نیروها از کشورهای منطقه! تامین شود در این صورت بایستی به کشورهای منطقه که دشمن برلی صلح به ظاهر، و البته حفظ صدام در نهان لک‌زده است گفته شما را اگر پارلی آن است که سربر و قوی صلح به نقطه ای اعزام نمایند، چرا برلی نمونه حتی یک سربر برلی جلوگیری از تجاوز ارتش صهیونیستی به لبنان اعزام ننمودید و در حال حاضر نیز که صهیونیسم یعنی دشمن اصلی اسلام با تمام قوا بیروت را در محاصره دارد چرا اقدام در این رابطه انجام ندادید؟

این‌ها خردشاندنده توطئه عظیمی است که بری در محظور قرار دادن جمهوری اسلامی ایران و نجات صدام که اینک حکم مرده در حال احتضاری را که فقط برو به قبله گلرنگه را کم دلرد برنامہ ریزی شده است.

پیشنهاد قطعنامه توسط نماینده شاه حسین لرنی، رای مثبت هر ۱۵ عضو شورای امنیت و خوشحالی زائدالوصف سعدون حسینی وزیر خارجه رژیم عراق از تصویب قطعنامه و دعوت از ایران مبنی بر تبعیت از قطعنامه، خردشاندنده توطئه عمیق و خطرناکی است که توسط صیبه چینان بین المللی بر علیه جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده است.

جنگ تحمیلی رژیم بعث عراق بر علیه ایران پس از گذشت نزدیک به ۲ سال اینک ولورمرحله جدیدی می‌شود مرحله جدیدی که تغییر و تحولات ناشی از آن یعنی سقوط صدام جغرافیایی سیاسی منطقه خاور میانه را دگرگون خواهد کرد و در این میان قطعنامه‌های آنچنانی شورای امنیت بقول امام ورفق پاره‌هایی بیش نیستند ورفق پاره‌هایی که جز منفعت دلزدگان حق و تو را تامین نمی‌کند



جمهوری اسلامی ایران به داخل خاک عراق برلی بر آورده کردن خواسته‌های بحث ملت‌های ایران و عراق، تنظیم و تصویب شده است، مشخص نمی‌کند که نیروها از کجا بایستی عقب نشینی کنند و واقعا جای پرسش است که ایران بر اساس چه تحلیلی می‌بایست از مناطق و مواضعی که با شهادت صدها و هزارها جوان پاک‌باخته دست آمده است، عقب‌نشینی کند؟ آیا «شورای امنیت نشینان» خردنلودند که برلی تسخیر و آزادسازی هر کدام از این مناطق که آنان خواستار عقب‌نشینی از آن شده‌اند خون چندین انسان تازه بر زمین ریخته شده است؟ آیا اینان نمی‌دانند عراق با زور به این زمین‌ها را «اشغال» کرده است.

در این صورت یعنی با عقب‌نشینی نیروها، آیا دیگر فرقی بین آنکه «تجاوز» کرده و آن که مورد تجاوز واقع شده و آنکه به خاک دیگری «حمله» کرده و آنکه از مواضع بحث خویش «دفاع» کرده است باقی می‌ماند آیا این فضولت یکسان مبنی بر عقب‌نشینی نیروها، چه متجاوز و چه دفاع کننده نوعی حمایت تلویحی از متجاوز نیست؟ تازه این ارتش عراق است که می‌بایستی عقب‌نشینی کند زیرا این لو است که در خاک ما است و در حال حاضر این شرایط منتفی است زیرا با ورود قوی ایران به داخل